



آیا QME می‌تواند رژیم اسرائیل را در برابر تهدیدات منطقه‌ای ایمن سازد؟

آمریکاپشت صحنه اسرائیل



نارمه اصفهانیان

برتری نظامی کیفی اسرائیل (Qualitative Military Edge - QME) مفهومی استراتژیک است که سیاست امنیتی ایالات متحده و رژیم اسرائیل را طی دهه‌های اخیر شکل داده است. بر اساس مصوبات کنفرانس آمریکا، ایالات متحده متعهد است که از حفظ این برتری رژیم اسرائیل نسبت به سایر کشورهای غرب آسیا اطمینان حاصل کند تا رژیم بتواند در برابر هرگونه تهدید موجودیتی از خود دفاع کند. این اصل ابتدا به صورت غیررسمی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح شد، اما بعداً به یک قانون رسمی ایالات متحده تبدیل شد.

QME چیست؟

طبق تعریف رسمی، QME عبارت است از: «توانایی اسرائیل برای مقابله موفق با هرگونه تهدید متعارف از سوی هر ائتلاف کشورها، سازمان‌ها یا بازیگران غیردولتی در منطقه، با اتکا به فناوری برتر نظامی، آموزش پیشرفته، راهبردهای عملیاتی کارآمد و سامانه‌های تسلیحاتی باکیفیت بالا.» این برتری صرفاً کمی نیست بلکه بر کیفیت، نوآوری و فناوری برتر تأکید دارد.

ریشه‌های حقوقی و سیاسی QME

در جریان جنگ ۱۹۶۷ و به ویژه پس از جنگ یوم کپور (۱۹۷۳)، آمریکا کمک‌های نظامی خود به رژیم اسرائیل را افزایش داد تا از شکست آن در برابر ائتلاف عربی جلوگیری کند. در این دوره، اصل حفظ برتری نظامی کیفی رژیم به عنوان یک دکترین نانوشته در سیاست خارجی آمریکا شکل گرفت. در سال‌های ۱۹۸۰، به ویژه پس از فروش تسلیحات پیشرفته آمریکایی به عربستان (مثل هواپیماهای F-۱۵)، لابی اسرائیل در آمریکا تلاش کرد تا تضمین‌هایی از کشور بگیرد. دولت ریگان به دولت عبری قول داد که در صورت فروش سلاح‌های پیشرفته به کشورهای عربی، آمریکا سلاح‌های پیشرفته‌تر یا بیشتر در اختیار رژیم اسرائیل قرار دهد تا QME حفظ شود. در سال ۲۰۰۸، کنفرانس ایالات متحده با تصویب قانونی، دولت آمریکا را به صورت قانونی ملزم کرد تا برتری نظامی کیفی رژیم اسرائیل را حفظ کند. این قانون ایجاد می‌کند که هرگونه فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای منطقه با در نظر گرفتن QME انجام شود و وزارت دفاع آمریکا موظف است به صورت دوره‌ای گزارشی به کشور ارائه دهد که ثابت کند این اصل نقض نمی‌شود.

اجزای کلیدی QME از منظر قانون

بدر نظر گرفتن تعریف برتری کیفی که به معنای توانایی شکست تهدیدات نظامی با تلفات محدود و شامل تجهیزات، ارتباطات و C۴ISR است، پخش بعدی مشورت است، به این معنا که رئیس جمهور آمریکا باید پیش از صدور گواهی فروش به کشورهای منطقه، با رژیم اسرائیل مشورت کند. سپس هر درخواست فروش تسلیحات باید ظرف ۶۰ روز با گزارش به کشورها ارزیابی شود و فقط در صورت پایداری QME امکان پذیر اند. (شامل گزارش ارزیابی تأثیر برتری اسرائیل). در نهایت هر چند سال یک بار باید تأیید شود که رژیم اسرائیل همچنان برتری کیفی دارد.

مؤلفه‌های عملی QME اسرائیل

تسلیم رژیم به سامانه‌های برتر مانند جنگنده‌های نسل پنجم مانند اف-۳۵ آی و سامانه‌های دفاع موشکی چندلایه شامل گنبد آهنین، فلاخن داوود، پیکان و تاد،

QME بر کنترل شدید سرزمین‌های

اشغالی استوار است که منجر به

انسداد اقتصادی غزه، محدودیت در دسترسی به آب، برق، دارو و تردد انسانی می‌شود و مصداق مجازات جمعی و ناقض حقوق اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تلقی می‌گردد

ایجاد برتری اطلاعاتی و سایبری مانند شبکه‌های گسترده جمع‌آوری اطلاعات انسانی و الکترونیکی و توانمندی‌های پیشرفته جنگ سایبری (مانند عملیات Stuxnet)، آموزش نیروهای ویژه با استانداردهای بسیار بالا و آموزش دکترین عملیات مشترک با اتکال بالا به مانور، سرعت و غافلگیری و در نهایت حمایت مالی و فنی آمریکا در قالب کمک‌های نظامی سالانه بیش از ۳٫۸ میلیارد دلار و انتقال فناوری‌های حساس نظامی و همکاری‌های پژوهشی، از بخش‌های مختلف مؤلفه‌های عملی QME هستند.

نقش QME در توازن قدرت منطقه‌ای

به رژیم اسرائیل امکان می‌دهد تا با تهدیدات از سوی بازیگرانی چون ایران، حزب الله، حماس و حتی ائتلاف‌های عربی مقابله کند. بازدارندگی گسترده رژیم اسرائیل نه تنها مبتنی بر قابلیت انجام عملیات نظامی دقیق و پر قدرت است، بلکه بر تصور توان پاسخ قاطع، سریع و مخرب متکی است. دشمنان بالقوه می‌دانند که اقدام نظامی علیه رژیم می‌تواند منجر به واکنش نظامی شدید و خسارت بار شود؛ از جمله حملات پیشدستانه هوایی، عملیات ویژه برون مرزی، حملات سایبری تخریبی و نابودی زیرساخت‌های حیاتی دشمن. همچنین ساختار چندلایه دفاع موشکی رژیم اسرائیل، با پوشش انواع تهدیدات از راکت‌های کوتاه برد گرفته تا موشک‌های بالستیک دوربرد، عنصر کلیدی در بازدارندگی به شمار می‌رود. علاوه بر آن، همکاری اطلاعاتی با آمریکا و متحدان غربی نیز منجر به ارتقای چشمگیر قابلیت کشف و خنثی‌سازی تهدیدات پیش از تحقق عملی آن‌ها شده است. این توان بازدارندگی به رژیم عبری اجازه می‌دهد تا در معادلات منطقه‌ای از موضع قدرت وارد شود و حاشیه امنیت استراتژیک خود را حفظ کند. از منظر روان‌شناختی نیز بازدارندگی گسترده مبتنی بر القای هزینه‌های سنگین به طرف مقابل است؛ به طوری که نه تنها محاسبه سود نظامی برای دشمنان بی‌ثمر شود، بلکه احتمال پاسخ نامتعارف رژیم اسرائیل نیز آنان را در اتخاذ هرگونه تصمیم هجومی مردد سازد.

از سوی دیگر برخی تحلیل‌گران معتقدند QME به دلیل تضمین امنیت رژیم اسرائیل، باعث کنترل نسبی مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است. اما در مقابل، منتقدان بر این باورند که این سیاست باعث انباشت گسترده تسلیحات در منطقه و تقویت شکاف نظامی شده است. همچنین برخورداری رژیم اسرائیل از QME، با اثرگذاری در مذاکرات سیاسی، ابزار چانه‌زنی مهمی در مذاکرات صلح، تعامل با دولت‌های عربی و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای برای این رژیم فراهم کرده است.

ابعاد حقوق بین‌الملل QME

سیاست QME در چهارچوب حقوق بین‌الملل موضوع مناقشه است. منتقدان

این سیاست را ناقض اصل توازن تسلیحاتی در منطقه و مانعی در مسیر امنیت جمعی می‌دانند. اصل برابری حاکمیتی ایجاد می‌کند که هیچ کشوری به شکل ساختاری در موقعیت برتری مطلق نظامی نسبت به دیگر کشورها تثبیت نشود. بخشی از راهبرد حفظ QME بر کنترل شدید سرزمین‌های اشغالی استوار است که منجر به انسداد اقتصادی غزه، محدودیت در دسترسی به آب، برق، دارو و تردد انسانی می‌شود و مصداق مجازات جمعی و ناقض حقوق بنیادین مندرج در میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تلقی می‌گردد. همچنین تداوم ارسال تسلیحات پیشرفته به رژیم صهیونیستی، آن هم در شرایط اشغال سرزمین‌های فلسطینی و استمرار مخاصمات مسلحانه و نقض قطعنامه‌های شورای امنیت تلقی می‌شود. بسیاری از کشورهای منطقه از جمله ایران، سوریه و لبنان این سیاست را ابزاری برای تداوم برتری نامشروع نظامی رژیم اسرائیل و تشویق به تداوم سیاست‌های توسعه طلبانه می‌دانند که می‌تواند ثبات منطقه را تهدید کند.

پیامدهای QME برای محور مقاومت

محور مقاومت در مواجهه با QME رژیم اسرائیل راهبردهایی متنوع اتخاذ کرده است. از جمله می‌توان به توسعه گسترده سامانه‌های موشکی دقیق و راکت‌های دوربرد برای ایجاد بازدارندگی متقابل غیرمتعارف، پیشرفت در فناوری پهپادهای هجومی و شناسایی، گسترش توانمندی‌های جنگ سایبری و عملیات اطلاعاتی پیچیده و تعمیق شبکه‌های نیابتی در مناطق پیرامونی رژیم اسرائیل جهت افزایش فشار از جهات متعدد اشاره کرد. با وجود QME اسرائیل، محور مقاومت در حال تقویت دکترین «اشباع دفاعی» است؛ بدین معنا که در صورت وقوع جنگ، حجم بالای پرتابه‌ها، پهپادها و حملات همزمان بتواند سامانه‌های دفاعی رژیم را از کارایی بیندازد و برتری کیفی رژیم عبری را به چالش بکشد.

سناریوهای آینده در صورت تغییر سیاست آمریکا

اگر ایالات متحده در آینده بنا به تغییرات سیاسی داخلی یا تغییر اولویت‌های راهبردی جهانی از سیاست سنتی حفظ QME اسرائیل عدول کند، چند سناریو قابل تصور است: افزایش مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای که در رأس آن کشورهای عربی خلیج فارس به سرعت به دنبال توسعه صنایع دفاعی و واردات تسلیحات پیشرفته خواهند رفت تا موازنه جدیدی با رژیم اسرائیل برقرار کنند. از سوی دیگر کاهش برتری قطعی رژیم، فرصت بهبود توان بازدارندگی محور مقاومت را فراهم می‌آورد و ممکن است محاسبات تهاجمی دولت عبری را محدود کند. دور از انتظار نخواهد بود که در صورت تضعیف حمایت آمریکا، رژیم ممکن است همکاری‌های راهبردی با شرکای آسیایی برای جبران شکاف فناوری گسترش دهد. همچنین کاهش اطمینان راهبردی رژیم اسرائیل نسبت به پشتیبانی آمریکا می‌تواند منجر به افزایش رفتارهای تهاجمی پیش‌دستانه رژیم برای بازگرداندن بازدارندگی شود که خود ریسک درگیری‌های بزرگ منطقه‌ای را افزایش می‌دهد.

سخن پایانی

QME همچنان رکن محوری راهبرد امنیت ملی رژیم اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده باقی مانده است. اما پیچیدگی‌های حقوقی، تحول فناوری‌های نامتعارف، تقویت درجهی محور مقاومت و امکان تغییر سیاست خارجی آمریکا عواملی هستند که می‌توانند در سال‌های آینده ساختار این برتری کیفی را دستخوش تغییرات اساسی کنند. آینده امنیت غرب آسیا بیش از هر زمان به پویایی این معادله وابسته خواهد بود.